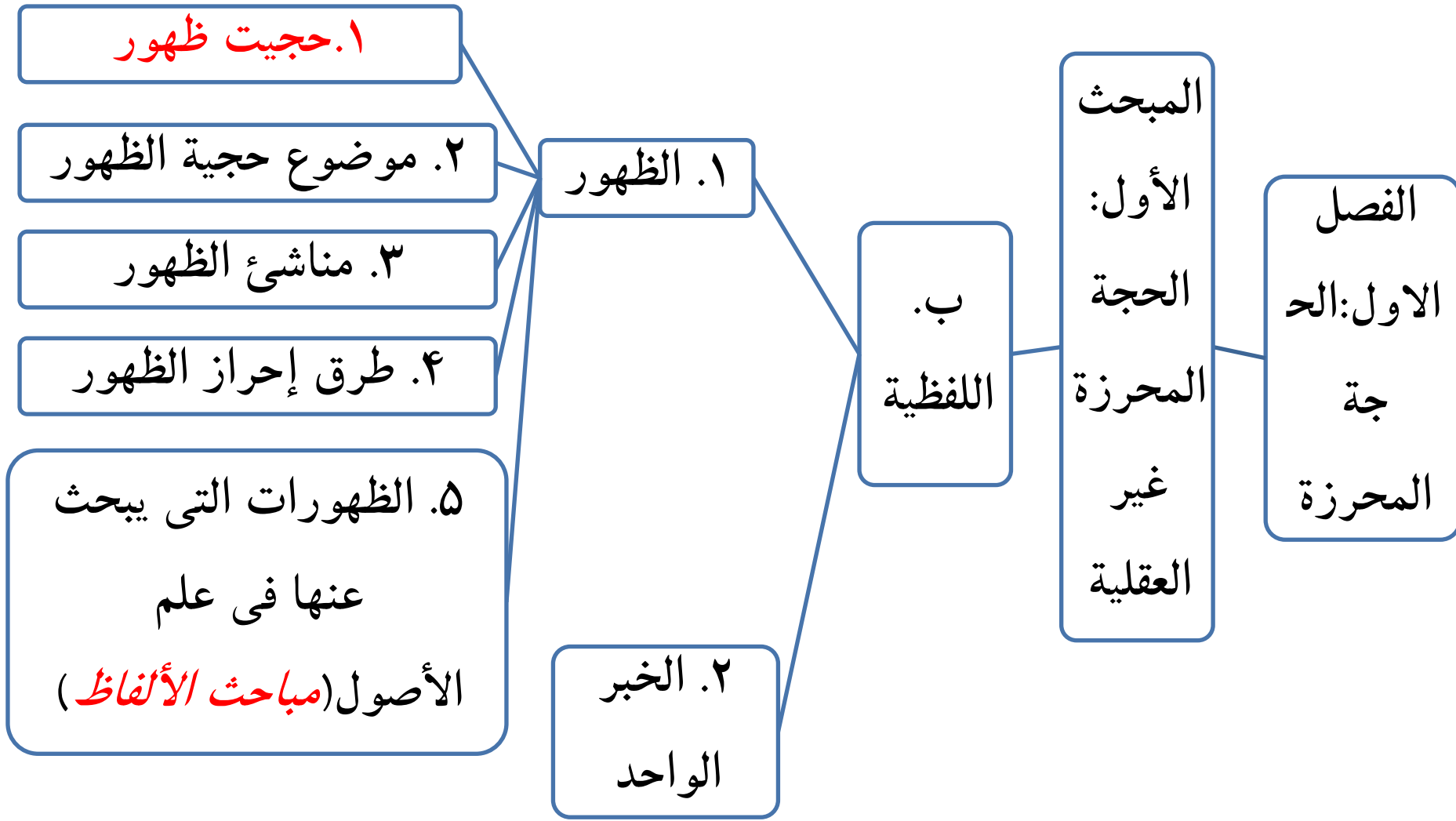


# علم أصول الفقه

١٥-٩-٩٣ شهرت / ظهور ٢٥

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

• إِنَّ تَصِيْبَكَ حَسَنَةٌ تَسُوْهُمْ وَإِنْ تَصِيْبَكَ مُصِيْبَةٌ يَقُوْلُوا قَدْ  
 أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَ يَتَوَلَّوْا وَ هُمْ فَرِحُونَ (٥٠) قُلْ لَنْ  
 يُصِيْبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ  
 الْمُؤْمِنُونَ (٥١)



سیره منتشره

سیره عقلا

دلیل حجیت  
ظهور

## حجيت ظهور

- و الاستدلال تارة يكون بالسيرة المتشرعية و أخرى بالسيرة العقلائية.

## سيره متشرعه در باب ظواهر

• أما السيرة المتشرعية فقد قلنا فيما سبق ان الاستدلال بها يتوقف على إثبات وقوع العمل فعلاً من قبل المتشرعة من أصحاب الأئمة عليهم السلام باخبار الثقات بأحد وجوه خمسة متقدمة نطبق منها في المقام الوجه الخامس و حاصله: ان فقهاء ذلك العصر كانوا يعملون بالظواهر جزمًا، إذ لو لم يكن قد انعقد بناؤهم على العمل بالظهور في مقام اقتناص الحكم من الأدلة الشرعية و كان بناؤهم على قاعدة اليقين أو الاطمئنان أو الاحتياط أو أي قاعدة أخرى لكان ذلك حدثاً فريداً في الفقه و لا نحتمل ان مثل هذا الحادث يقع و يكون مبنى فقهاء الطائفة عليه ثم لا يشار إليه و لا يصل إلينا منه عين و لا أثر بل يصل إلينا العكس، فان كل من كتب في الأصول بنى على حجية الظهور و لم يشكك فيه أحد و لم يحتمل وجود خلاف.

## سیره متشرعه در باب ظواهر

- همان طور که در بحث‌های گذشته گفتیم اگر در سیره متشرعه اتصال به زمان معصوم ع را ثابت کنیم، دیگر احراز امضاء معصوم ع مئونه چندانی ندارد؛ زیرا اینکه در زمان معصوم ع مسلمانان دوران به این روش عمل می‌کرده اند و مسلمان بودن آنها منشأ این روش بوده است، معنایش این است که خود معصوم ع هم به نحوی از انحاء چنین روشی را در بین آنها ترویج کرده و باعث پیدایش چنین منشی شده است.

## سیره متشرعہ در باب ظواہر

- بہ تعبیر شہید صدر رہ سیرۃ متشرعہ‌ای کہ متصل بہ زمان معصوم است، برہان انّی بر امضای معصوم خواهد بود؛ یعنی خود وجود سیرہ دلیل است بر اینکہ دیدگاہ معصوم ع نیز ہمین بودہ است کہ باعث شدہ است کہ چنین سیرہ‌ای در بین مسلمانان پیدا شود.



## سيرة متشرعه در باب ظواهر

- و لا يتوهم: احتمال أنهم كان يحصل لهم الاطمئنان غالباً من الظهورات و من هنالم يشكل ظاهرة فريدة ملفتة للنظر. إذ من الواضح ان أكثر مراتب الظهور لا يحصل منها اطمئنان لا لاحتمال التجوز أو الإظهار أو التقدير أو نحوها من خلاف الظاهر الكثير في اللغة العربية فحسب بل لأن وضع الأئمة عليهم السلام و اعتمادهم على التقيّة أو القرائن المنفصلة لم يكن يساعد على حصول الاطمئنان من ظاهر كلماتهم جزماً.

## سيرة متشرعه در باب ظواهر

- و بهذا ثبت انعقاد السيرة التشريعية بالمعنى الأعم على العمل بالظهورات و قد تقدّم أنّ حجة كالسيرة التشريعية بالمعنى الأخص و بناءً عليه لا تصل النوبة إلى البحث عن احتمال الردع بإطلاقات النهي عن العمل بالظنّ مثلاً و البحث عن أنّها هل تصلح للرادعية أم لا، فإن هذا الاستدلال بالسيرة التشريعية الكاشفة كشفاً إنياً عن موقف الشارع مباشرة.

## سیره متشرعه در باب ظواهر

- نقد و بررسی دلیل اول
- این مطلب که راویان فقها و عموم مسلمانان، اخذ به ظواهر می‌کردند، در آیات، روایات، کلمات معصومین اخذ به ظواهر می‌کردند، مسلم است؛ یعنی وقتی به مجموعه اسناد تاریخی و روایی و نیز نوشته‌ها در روزگاری که این روایات و آیات نازل شده اندف مراجعه می‌کنیم، واضح است که وقتی مثلاً یک آیه‌ای برایشان خوانده می‌شد همین معنایی را که ظاهر آیه بود می‌فهمیدند و معیار عملشان قرار می‌دادند؛ مثلاً اگر گفته می‌شد «لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلاً» مردم می‌فهمیدند که هر کسی می‌تواند، باید به حج برود یا اگر گفته می‌شد: «كتب عليكم الصيام» مردم می‌فهمیدند که روزه بر آنها واجب است..

## سیره متشرعه در باب ظواهر

- همه اینها ظهور است. اگر از ائمه علیه السلام و پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - سؤال می‌کردند و آن‌ها جواب می‌دادند، همان جوابها هم مجموعه‌ای از ظواهر بودند و مردم به همین ظواهر نیز مردم عمل می‌کردند.
- برای مثال راوی می‌گوید: سَأَلْتُهُ عَنِ الْبَوْلِ يُصِيبُ الثَّوْبَ فَقَالَ اغْسِلْهُ مَرَّتَيْنِ. سائل می‌فهمید که این بول نجس است. وجوب شستن برای چیزی است که مشروط به طهارت است مثل صلوة. اینکه از امر به غسل نجاست را بفهمیم، مربوط به ظهورات است.

## سیره متشرعه در باب ظواهر

- سؤال این است که آیا حیثیت مسلمانی این ها منشأ عمل به این ظواهر بود؛ یعنی چون مسلمان بودند به ظواهر عمل می کردند.
- به نظر می رسد سیره عقلا بر عمل به ظواهر است و مسلمانان هم به عنوان اینکه بخشی از عقلا هستند، به ظواهر اخذ می کردند در واقع اخذ به ظواهر روشی است که بین آدم ها برای تفهیم و تفهم وجود دارد.
- روش انسان برای انتقال مقاصد و یا دریافت مفاهیم از دیگران سخن گفتن است و بسیاری از این سخنان در حد ظاهر (نه نص) است. بنابراین نمی شود گفت که این سیره، سیره متشرعه است.

## سیره متشرعہ در باب ظواہر

- اشکال: اگر گفته شود در این بحث ما سیرة اصحاب یا فقہا یا مسلمانانرا در یک امر شرعی (مراجعه بہ کتاب و سنت) بررسی می‌کنیم کہ این در حقیقت مربوط بہ شرع می‌شود نہ مطلق عقلاً. بلکه مربوط بہ مسلمانان است.

## سیره متشرعه در باب ظواهر

- برای مثال وقتی می‌بینیم مثلاً مسلمانان با دم مختلف در ذبیحه (خون باقیمانده در ذبیحه)، مثل شیء پاک رفتار می‌کنند؛ یعنی از این خون‌مثل خون‌های نجس اجتناب نمی‌کنند، نتیجه می‌گیریم که سیره متشرعه بر طهارت دم متخلف در ذبیحه است. این طهارت و نجاستی که در اینجا مطرح است، عرفی و عقلایی نیست، بلکه شرعی و تعبدی است.

## سیره متشرعه در باب ظواهر

- بنابراین چون این سیره در حوزه امور شرعی است، سیره متشرعه است در محل بحث هم می‌گوییم رفتار مسلمانان رفتار با ظواهر کتاب و سنت چنین است و کتاب و سنت یک امر شرعی است. بنابراین این سیره نیز، سیره متشرعه است.



## سیره متشرعه در باب ظواهر

- جواب: درست است که مسلمانان در حوزه کتاب و سنت هم به ظواهر اخذ کردند، ولی ممکن است اخذشان حتی در حوزه کتاب و سنت هم نشأت گرفته از آن ارتکاز و سیره عقلائییشان است؛ یعنی آنها سخنان خداوند تبارک و تعالی را در قرآن یا سخنان پیغمبر و ائمه علیه السلام را، مثل سخنان سایر آدمها تلقی می کردند و چون بر اساس ارتکاز و سیره عقلائییشان به ظواهر کلمات سایر آدمها اخذ می کردند، در مواجهه با کلمات معصومین علیهم السلام هم بر اساس مقتضای همین ارتکاز و سیره رفتار می کردند.

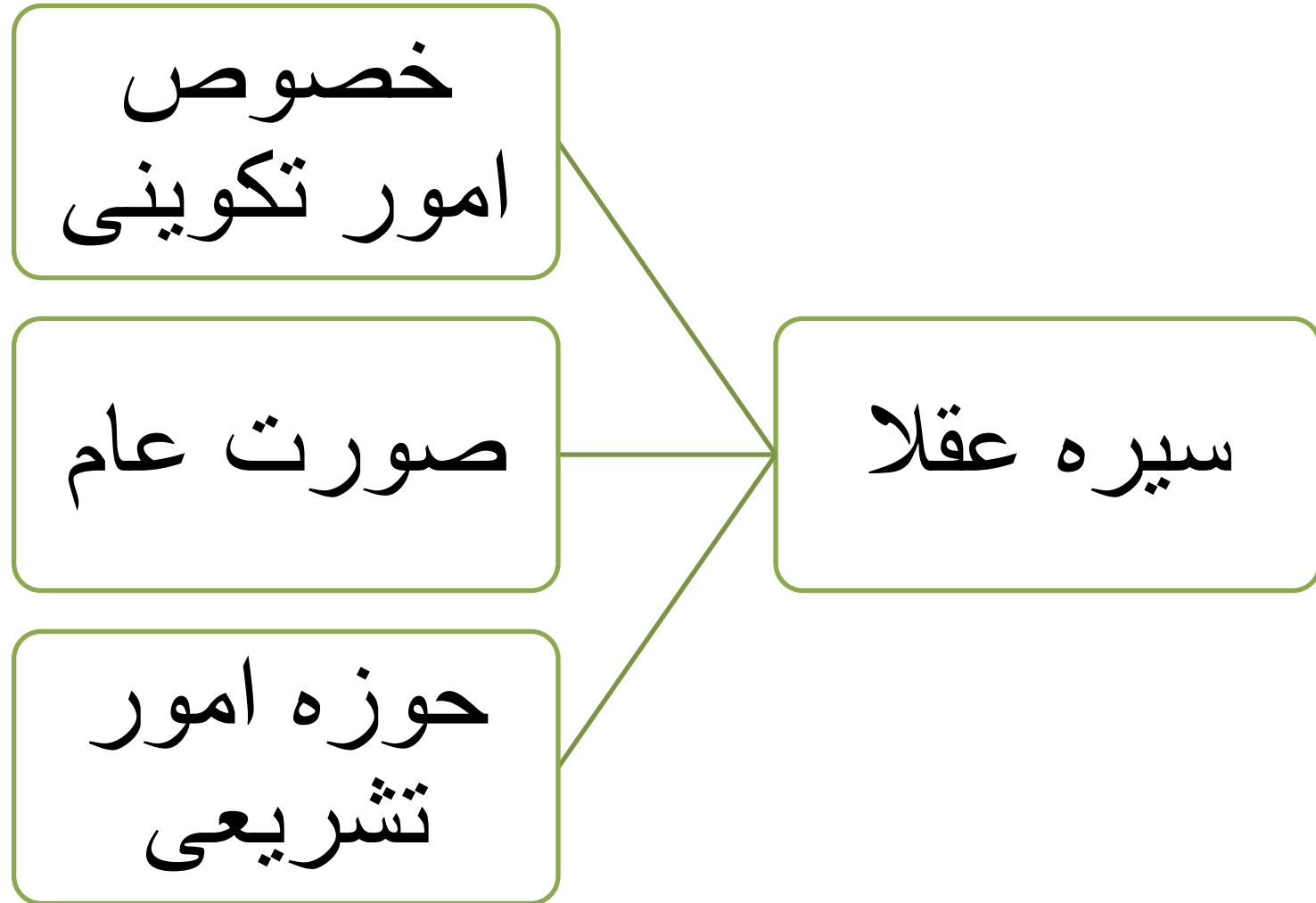
## سیره متشرعه در باب ظواهر

- ؛ مثلاً وقتی پیغمبر - صلی الله علیه و آله - می فرمود که خداوند چنین فرموده است و آیه ای قرآن را می خواند، عقلا می گویند این مثل آن است که فلان شخص عادی چنین چیزی گفته است کلام را بر ظاهرش حمل می کردند به این معنا که بنا را بر آن می گذاشتند که گویند همین ظاهر را اراده کرده است و همان ظاهر را اخذ میکردند. بنابراین در اینکه یک سیره متشرعه بما هم متشرعه بر حجیت ظواهر داشته باشیم، جای تردید وجود دارد.

## سیره متشرعه در باب ظواهر

- . آل عمران، ۷۹.
- . بقره، ۱۸۳.
- . عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ هـ ق

## سیره عقلا در باب ظواهر



## سیره عقلا در باب ظواهر

- سیره عقلا در باب ظواهر را به سه شکل می‌توانیم مورد مطالعه قرار بدهیم.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- شکل اول این است که ما سیره عقلا را در خصوص امور تکوینی بررسی کنیم؛ یعنی در حیطة گفتارهایی که به بیان واقعیات مربوط می‌شود؛ مثل هوا سرد است یا امروز سه شنبه است یا فردا درس تعطیل می‌شود.
- بخش زیادی از گفتگوهای ما در طول روز همین مطالب تکوینی است.
- در این حوزه، حجیت (تنجیز و تعزیر) معنا ندارد؛ چون مفاد کلام بیان و حکایت یک امر واقعی است.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- شکل دوم مطالعه سیره عقلا به صورت عام است؛ یعنی اعم از اینکه این گفتارهای مربوط به حوزه تکوین باشد یا حوزه تشریح (یعنی گزاره‌هایی که در حوزه روابط بین عبید و موالی، یعنی دستورهای که یک مسئول نسبت به افراد پایین‌تر صادر می‌کند.)
- یعنی فرق نکند که مفاد سخن چه باشد؛ چه اینکه یک امر تکوینی را بیان کند؛ مثلاً هوا سرد است، امروز برف می‌آید، و چه در حوزه امور قانونی و تشریحی و روابط بین عبید و موالی باشد.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- شکل سوم این است که سیره عقلا را صرفاً در حوز امور تشریحی مطالعه کنیم در این حوزه یعنی خصوص روابط عبید و موالی حجیت (تنجیز و تعذیر) معنادار است.



## سیره عقلا در باب ظواهر

- - ممکن است عبید و اماء به معنای گذاشته‌اش نداشته باشیم، ولی مشابهش یعنی ریاست و مرئوسیت هست -
- مقصود شهید صدر ره این است در حوزه روابط رؤسا با مرئوسین، آنجا که امر و نهی‌ها و اطاعت و عصیان وجود دارد سیره و ارتکاز عقلا را بررسی کنیم که چگونه مثلاً کارمندان یک اداره، مقاصد و خواسته‌های رئیس از ایشان را به دست می‌آورند.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- شکی نیست که سیره عقلا در هر یک از این سه حوزه پیش گفته عمل کردن به ظواهر است.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- شهید صدر ره بیشتر به این تقریر اخیر تمایل دارد؛ چون فکر می‌کند که بر اساس تقریر اول ممکن است اشکالاتی به ذهن برسد و نتوان بر اساس بعضی از مبانی بعضی از این اشکالات را حل کرد.

## سیره عقلا در خصوص امور تکوینی

- شکل اول
- وقتی متکلمی گزاره‌ای را بیان می‌کند که به یک امر تکوینی مرتبط می‌شود؛ «امروز هوا سرد است.» مردم در کشف و تعیین مقصود او ظاهر کلام او را معیار قرار می‌دهند و به احتمالات خلاف ظاهر آن اعتنا نمی‌کنند.
- شارع نیز این سیره عقلا را ردع نکرده است.
- بنابراین این سیره عقلا مورد پذیرش شارع است.

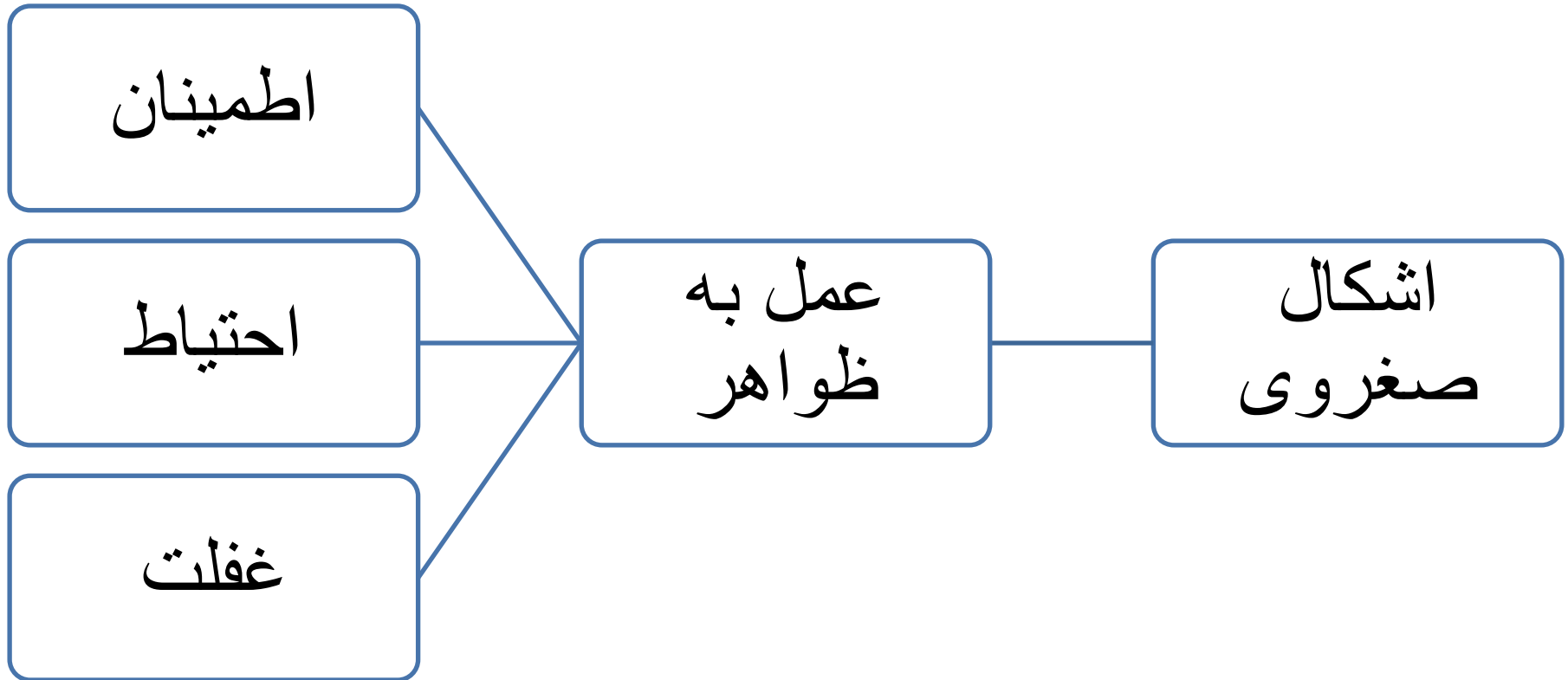
## سیره عقلا در خصوص امور تکوینی

- به این استدلال هم اشکال صغروی شده است و هم اشکال کبروی.
- در اشکال صغروی گفته اند:
- اصلاً عقلا در حوزه تکوینیات سیره‌ای در قالب عمل به ظواهر ندارند؛ یعنی اصل صغری اشتباه است.

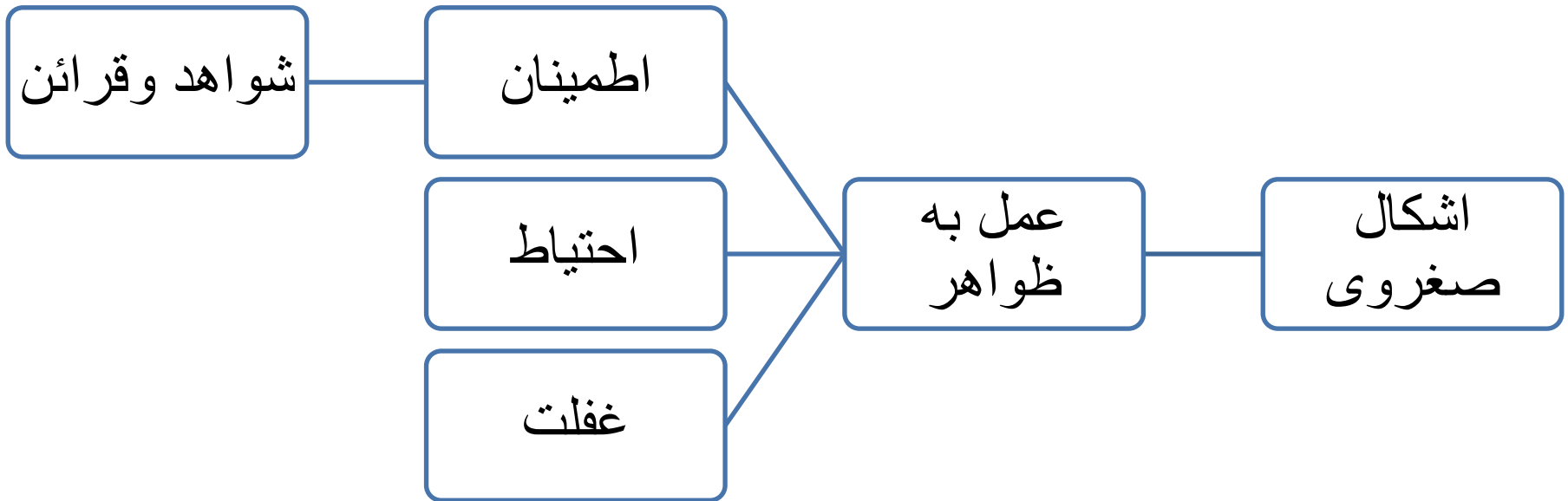
## سیره عقلا در خصوص امور تکوینی

- در اشکال کبروی گفته‌اند:
- به فرض که عقلا در حوزه تکوینیات چنین سیره‌ای داشته باشند و حتی اگر از ناحیه شارع هم پذیرفته شود، نتیجه‌اش حجیت ظواهر نخواهد بود.

# سیره عقلا در خصوص امور تکوینی



# سیره عقلا در خصوص امور تکوینی





## سیره عقلا در خصوص امور تکوینی

- در توضیح اشکال صغروی، گفته اند وقتی به رفتارهای عقلا در حوزه گفتارهای تکوینی مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم به ظواهر گفتارها اخذ می‌کنند؛ اما این اخذ نه از این باب است که ظاهر را حجت می‌دانند، بلکه در بسیاری از موارد **شواهد و قرائنی** بر مفاد این گفته‌ها دارند که باعث می‌شود به آن مفاد اطمینان پیدا کنند؛

## سیره عقلا در خصوص امور تکوینی

- مثلاً وقتی کسی می‌گوید: امروز سه شنبه است و دیگران می‌پذیرند، نه از این باب است که این سخن او را حجت بدانند، بلکه از این باب است که شواهد فروانی مثل اطلاعاتشان درباره دیروز، روزهای گذشته، فردا و روزهای آینده دارند و با توجه به تقویم و... دارند بر اینکه امروز سه شنبه است.

## سیره عقلا در خصوص امور تکوینی

- به عبارت دیگر پذیرفتنشان از باب **اطمینان** است، نه از این باب که ظاهر گفته وی یک امر ظنی است و ایشان این مقدار ظن را حجت می‌دانند و می‌پذیرند؛ مثلاً وقتی دکتر به یک مریض می‌گوید فلان غذا برای شما ضرر دارد و از آن اجتناب کن، یا شخص به کلام دکتر اطمینان پیدا می‌کند یا اگر اطمینان هم پیدا نمی‌کند، از باب **احتیاط** عمل می‌کند؛ چون به هر حال او مریض است و با توجه به کلام دکتر احتمال ضرر می‌دهد و احتیاط اقتضا می‌کند از این غذا اجتناب کند.

## سیره عقلا در خصوص امور تکوینی

- در مواردی هم از باب **غفلت** یا بی‌اعتنایی به ظواهر عمل می‌کنند؛ مثلاً کسی می‌گوید هوا سرد است، عقلا هم می‌پذیرند؛ چون مطلبی نیست که برایشان اهمیت داشته باشد.

## سیره عقلا در خصوص امور تکوینی

- اشکال کبروی این است که به فرض پذیریم عقلا از حجیت گفتارها به آنها عمل می‌کنند، نمی‌توانیم از این طریق حجیت ظواهر را در نظر شرع ثابت کنیم؛ چون شما می‌گویید:
- سیره عقلا بر عمل به ظواهر در حوزه تکوینیات است (صغری)
- و چون شارع این سیره را ردع نکرده‌است، (کبری)
- پس معلوم می‌شود که امضاء کرده‌است. (نتیجه)

## سیره عقلا در خصوص امور تکوینی

- اما سوال این است که دقیقاً چه چیزی را امضا کرده است؟
- واضح است که سیره عقلا در حوزه گفتارهای تکوینی را تأیید کرده است که گفته شد در این حوزه اصلاً حجیت معنا ندارد. بنابراین اصلاً این امضاء اثری نخواهد داشت.

## سیره عقلا در خصوص امور تکوینی

- شهید صدر ره می‌فرمایند هر چند اشکال صغروی وارد است، اشکال کبروی اشتباه است؛ یعنی که عقلا در حوزه تکوینیات از باب اطمینان یا غفلت نه از باب حجیت، به ظواهر عمل می‌کنند؛ اما همین رفتار عقلایی با گفتارهای تکوینی پدیده‌ای را ایجاد کرده است که در ادامه به صورت غیر آگاهانه محدود به حوزه گفتارهای تکوینی نمی‌شود.

## سیره عقلا در خصوص امور تکوینی

- یعنی وقتی عقلا در حوزه تکوینیات عادت کردند که ظاهر سخنان را بپذیرند، اگر یک سخنی در حوزه تشریعیات هم وارد بشود، همین عادت باعث می‌شود که آن‌ها بدون اینکه توجه کنند، ظاهر این سخن را هم بپذیرند. با اینکه ممکن است در حوزه تشریعیات آن مناشیء پذیرش سخن در حوزه تکوینیات، وجود نداشته باشد؛ یعنی نه اطمینان باشد، نه احتیاط و نه غفلت و تساهل.



## سیره عقلا در خصوص امور تکوینی

- بنابراین هرچند این سیره و ارتکاز در خصوص گفتارهای مربوط به تکوینیات است، می‌تواند امور تشریحی را تحت تأثیر خود قرار بدهد و بدان جا سرایت کند. با توجه به این نکته اگر شارع نمی‌خواهد عقلا در حوزه تشریحات او این رفتار را ادامه دهند، باید جلوی ایشان را بگیرد؛ چون عقلا با توجه به عادتی که پیدا کردند، بی‌توجه به اینکه این سخن تکوینی است یا تشریحی، به ظاهرش عمل می‌کنند. و اگر ردع نکرد معلوم می‌شود که با این روش، با این فطرت ثانوی در حوزه تشریحات دینی موافق است.